

ایستاد هفت

سال سی و ششم، شماره سوم
مرداد و شهریور ۱۴۰۴
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب‌شناسی و
اطلاع‌رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۳



چو یا جهانبخش | رسول جعفریان | سیدعلی میرافضلی | سیدرضا باقریان موحد | عبد الجبار رفاعی / محمد سوری
زهرا آقابابایی خوزانی | سیدعلی کاشفی خوانساری | مهدی عسگری | حمیدرضا تمدن | امید حسینی نژاد | حیدر عیوضی
اریا طبیب‌زاده | رقیبه فراهانی | میلاد بیگدلو | سید احمد رضا قائم‌مقامی | مجید جلیسه | علی راد
محمد شمسواری | عارف نوشاهی / شیوا امیرهدایی | مریم حسینی | علی نیک‌زاد | سیدعلی موسوی
غلامحسین خدری | علی ایمانی ایمانی | علی کاملی | فرهاد طاهری | سهیل یاری گل‌دژه | امید طبیب‌زاده | سید محمد عمادی حائری

مگر ز مضر به گنجان «بشیر» می‌آید | مقتل الحسین (ع) ابو حاتم، محمد بن حبان بسنی (م ۳۵۴)

رباعیات شهر آشوب حسن دهلوی | معرفی نشریه اتاق آبی

از نگاه عربی: منتفکران معاصر ایران و جهان عرب (۲) | از ازدواج تا طلاق: روی و پشت یک سند

روابط قصه‌گویان دینی و حاکمان سیاسی | امامزاده حضرت شاه‌زندو (ع)

محمد عابد الجابری و نقد عقلانیت عربی | خراسانیات (۶) | آینه‌های شکسته (۱۰)

یادداشت‌های لغوی و ادبی (۵) | اشعار تازه‌یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر

نویشتگان (۱۴) | یادداشت‌های شاهنامه (۸) | چاپ‌نوشت (۲۰) | از شیعه علی (ع) تا دین علی (ع)

طومار (۱۲) | قصص الأنبياء در میراث اسلامی | المستخلص

تحفة البرره مجدالدین بغدادی در آثار شمس‌الدین محمد الأطعانی | کتابخانه یعنی غنای زنده زاینده

نقد ترجمه فارسی مابعدالطبیعه ارسطو اثر شرف‌الدین خراسانی

مروری بر تخلفات گسترده در پژوهش | تحلیل روشمند ادعاهای انتحال در حوزه فلسفه اسلامی

نکته، حاشیه، یادداشت

پیوست آینه پژوهش: ♦ سلسله‌مباحث نظری در باب تاریخ ادبیات، براساس آرای رینه وِلک (۲)

♦ در میانه حکایت و تصحیف

نوشتگان (۱۴)

دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبائی | میلاد بیگدلو

| ۲۸۹ - ۲۹۹ |

۲۸۹

آینه پژوهش | ۲۱۳

سال ۳۶ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۴



چکیده: موضوع بخش نخست شماره چهاردهم «نوشتگان»، شناسایی چند صورت ناشناخته شناسه‌های فارسی قدیم و بازنگری در تعیین محدوده جغرافیایی کاربرد صورت «سیت» شناسه دوم شخص جمع است. در بخش بعدی، در ضمن قرائت تازه یک فهلوی همدانی، یک شاهد قدیم دیگر از فعل «گو/گا» [=خواستن، بایستن] شناسایی شده است که موضوع بخشی از شماره پیشین بود.

کلیدواژه‌ها: شناسه‌های فارسی، فارسی یهودی، شیرازی قدیم، فهلویات، محوی همدانی.

Neveštegān (14)

Milad Bigdeloo

Abstract: The first part of the fourteenth issue of “Neveštegān” examines several previously unidentified forms of early Persian verbal endings and reconsiders the geographic distribution of the second-person plural ending *-yt*. The following section presents a new reading of a Hamadani Fahlavi, through which an additional early attestation of the verb *gū/gā* “to want”, which was explored in the previous issue, has been identified.

Keywords: Persian verbal endings, Judeo-Persian, Old Shirazi, Fahlaviyyat, Mahvi of Hamadan.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۴۴. از اشکال ناشناخته شناسه‌های فارسی

در شماره ۱۰ «نوشتگان» (بخش ۲۸) به دو صورت از شناسه‌های فارسی اشاره شد که در مقاله صادقی و حاجی سیدآقایی درباره اشکال ناشناخته شناسه‌ها در فارسی قدیم اشاره نشده است. در اینجا به اشکال ناشناخته دیگر می‌پردازیم.

۱.۴۴. د

یکی دیگر از صورت‌های نامعمول سوم شخص مفرد زمان گذشته «ت» (با $-št$ به $-šd$). شواهد این صورت را مثلاً در منتخب رونق‌المجالس و بستان‌العارفین و تحفة‌المُردین (۱۳۵۴) می‌توان یافت:

چون زن از نماز فارغ گشد، شوهر دست وی بگرفت و نزدیک تنور آورد (ص ۲۴۳).

«شد» را در این جا به جای صورت معمول «شت» می‌توان با مثلاً $dâšd$ «داشت» و $minivišdim$ «می‌نوشتیم» و $megzešd$ «می‌گذشت» و $kâšd$ «کاشت» - در خرده‌گوش‌های شمیران (Borjian, 2011 [2012], pp. 81-82) سنجید.

۲.۴۴. بیت

صورت «بیت» را برای شناسه دوم شخص جمع صادقی و حاجی سیدآقایی (۱۰۵§) فقط در زمان حال یافته‌اند. همین صورت در افعال گذشته نیز به کار برده شده است. برای نمونه در ترجمه - تفسیر حزقیال به فارسی به خطّ عبری: $כַּרְדִּית = כַּרְדִּית$ = کردیت و $כַּרְדִּית = כַּרְדִּית$ = نهادیت (Gindin, 2007, vol. 3, p. 126). همچنین در تاج‌الرؤوس و عزّ‌النفوس، اثری آموزشی درباره دستور زبان فارسی احتمالاً از سده هفتم هجری پدیدآمده در آسیای صغیر، درباره ساختن فعل جمع مخاطب در زمان گذشته آمده است: «اگر تایی و دالی در پس یاء زیاده کنی، باماله، دلالت کند بر جمع مخاطب؛ همچو شدیت یا شدید و کردیت یا کردید و گفتیت یا گفتید. این تا و دال ضمیر جمع مخاطب باشد» (نقل از صادقی، بهروز و چتینکایا، ۱۳۹۸، ص ۱۵۷).

برخی محققان مثلاً صادقی (۱۳۹۸)، پانوش ص ۶۲: «تبدیل شناسه دوم شخص جمع افعال از "ئید" به "ئیت" در متونی که در ماوراء‌النهر و شمال افغانستان نوشته شده‌اند نیز ظاهراً ناشی از همین گرایش [= بی‌واک شدن صامت‌های واکدار پایانی] است.» و شفیع کدکنی (۱۳۶۶)،

شما دایم بهم دل صاف باشید (בְּאֵפֶיךָ)
سرِ دشمن بگردون متراشیت (מְהַרְאֵשִׁית)

(Salemann, 1897, p. 13)

نوسان در صورت‌های یک شناسه در متن واحد و حتی جمله‌ای واحد در متون دیگر و میان صورت‌های دیگر نیز دیده می‌شود. برای نمونه، در جمله زیر، صورت «معیار» (یا نزدیک به معیار) «یذ» و صورت عامیانه‌تر «ی» شناسهٔ دوم شخص جمع در مجاورت هم به کار رفته است: اگر بکروید بخدای تعالی و دست ازین بت برستیدن بازداري و چندان سال محنت ایشان همی گشاید (ترجمهٔ تفسیر طبری، دست‌نوشت شمارهٔ ۱۲۲، ص ۱۱۷ پ).

همچنین، املاي «یـد» برای شناسهٔ دوم شخص جمع مثلاً در «بخوارید» و «می شناسید» با فاصله‌ای میان «یـد» و «د» در نسخه‌ای از قصص الأنبياء نیشابوری (نقل از غلامرضائی، ۱۳۸۵، ص ۳۷۵؛ «یـد» سهواً در نوشتهٔ او شناسهٔ «سوم شخص جمع» دانسته شده) نیز احتمالاً راهی بوده که نوسان میان تلفظ گفتاری و رسمی در کتابت نشان داده شود.

۲۹۳

آینه پژوهش | ۲۱۳
سال ۳۶ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۴

۳۰۴۴ بـ

برای سوم شخص جمع گذشته از جمله به صورت‌های «-ین» و «-ن» (an-) اشاره شده است، ولی می‌توان in- را نیز (از متنی فارسی یهودی از ناحیهٔ بخارا) افزود:

רש"י המְתוֹר פִּירוֹשׁ פִּרְדִּין
= רשי [= רבי שלמה יצחקי، רבי שלومو اسحاق] همטور [= همین طور؟] فروش [=]
تفسیر] کردن.

(Bacher, 1902, p. 738)

דַּר פִּתְאֵבִי ... שְׁאֵן ... גִּוְיִן פִּרְמוֹדִין

= در کتاب ... شان چنین فرمودن

(Bacher, 1902, p. 758)

شناسهٔ سوم شخص جمع گذشته در متنی که شواهد را از آن نقل کردیم در تلفظ میان an- و in- در نوسان است (برای نمونه، אִיִּסְתָּאֲדִין با تلفظ istādin «استادند» و גּוּפְתִין guftin «گفتند» در برابر פִּרְמוֹדִין «فرمودند») (Bacher, 1902, p. 758). ولی جالب است که سوم شخص جمع

احترام، که شواهد آن پیش‌تر نقل شد («رشی ... فروش کردن.»)، همواره تلفظ *-in* دارد. باخر (Bacher, 1901, p. 251, fn. 1) به این نوسان اشاره کرده، ولی متوجه نکته‌ای نبوده که در اینجا دربارهٔ سوم شخص جمع احترام و اختصاص *-in* به آن گفتیم.

در میان نوشته‌های برجای مانده از یهودیان چند دهه گذشته از ناحیهٔ سمرقند و بخارا، شناسهٔ سوم شخص جمع در زمان گذشته *-in* و در حال *-an* است، برای نمونه، به ترتیب، در ۱۱۶۶۶ / *kardin* «کردند» و ۱۱۶۶۶ / *gardan* «گردند» (از متن چهارم منقول در Borjjan, 2025, p. 17).

شناسهٔ سوم شخص جمع زمان گذشته در دو موضع از یک متن تقریباً قدیم بلوچی نیز به صورت «ین» نوشته شده است:

Zāl ō haps hardun par yak šapā kaptin (L 2).

زائو و اسب (مادیان) هر دو به یک شب گفتن [لفظاً: افتادند؛ در این جا: زادند].

Pa-tākā čārit, ō āšik subhatgō oštātagin (L 19).

به طاق نگریست که [لفظاً: و] عاشقان (او) صحبتگو ایستادند [= به گفتگو مشغول بودند].

اما طابع متن، الفنباین (Elfenbein, 1961, p. 92)، در هر دو مورد، *-in* را به *-ant* تصحیح کرده است.

۴.۴۴ احتمالاً *-a* یا *-e*

در شاهد زیر، «ویستو شد» در معنا برابر «ویستو شدند» به کار رفته است و تلفظ «شد» را احتمالاً *šuda* یا *šude* می‌توان دانست، با *-e* یا *-a* در نقش شناسهٔ سوم شخص جمع زمان گذشته:

بدرستی که آنها که بیرویدند بموسی پس ویستو شدند [بعزیز] پس بیرویدند [بعیسی] پس ویستو شد پس بیفزودند نابرویدگی نشاید که که خدای [عزوجل] بیامزد ایشان را و نه آنکه شان بنماید راهی (ترجمه و قصه‌های قرآن، ۱۳۳۸، ج ۱، ص ۱۵۱).

قائل شدن به برابری «شد» با «شدند» در این مورد و تلفظ *šude* یا *šuda* برای آن در صورتی است که جمله مورد نظر از آن دسته از شواهدی نباشد که در آنها شناسهٔ فعل در زنجیرهٔ دو یا چند فعل با فاعل یکسان حذف می‌شود (نک. Lazard, 1963, §§343-348). کوتاه شدن *-and* یا *-end*

را به -a یا -e در شاهد منقول می‌توان با تخفیف Vrd به V¹ در فلهویات از جمله در «بیه» [= ببرد] و «بکه» [= بکرد] (منقول در محمدی، ۱۴۰۰، ص ۸۸) و نیز در شیرازی قدیم مثلاً در «که» [= کرد] و «بیه» [= ببرد] (فیروزبخش، ۱۳۹۰، ص ۳۵۴) سنجد. افتادگی دو همخوان پایانی در شیرازی قدیم در صورت‌های صرف‌شده زمان مضارع نیز دیده می‌شود. این افتادگی در پایان احتمالاً از CVC- (سنجد. dānēd «داند») آغاز شده و سپس با گذر از مراحل میانی CC- و احتمالاً C- به افتادگی کامل انجامیده است. مرحله میانی CC- از ضبط «داند» و «دُند» در ابیات شیرازی مثلثات سعدی (متن در صادقی، ۱۳۹۱، ص ۲۴ و نسخه بدل در پانوشت^۱)^۲ و مرحله C- از «کن» [= کُند] در کازرونی قدیم (نک. صادقی، ۱۳۸۳، ص ۵) معلوم می‌شود. مرحله پایانی، که افتادگی کامل است، در گویش‌های فارس از جمله گویش‌های کازرون (mī-δū «می‌داند»؛ نقل در صادقی، ۱۳۸۳، ص ۵) دیده می‌شود.

منابع

- ترجمه و قصه‌های قرآن: از روی نسخه موقوفه بر تربت شیخ جام، مبتنی بر تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری (۱۳۳۸). تصحیح یحیی مهدوی و مهدی بیانی. طهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ترجمه تفسیر طبری. دست‌نوشته شماره ۱۲۲. کتابخانه آستان قدس.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶). مقدمه مصحح. در محمد بن منور میهنی، اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی سعید ابی الخیر (صص بیست و سه-دویست و سی و نه). تهران: آگه.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۸۱). گویش‌شناسی ایران بر اساس متون فارسی: گویش‌های مرکزی. مجله زبان‌شناسی، ۱۷(۱)، ۸-۲.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۸۳). گویش قدیم کازرون. مجله زبان‌شناسی، ۱۹(۱) [= ۳۷ پی‌پی]، ۱-۴۱.
- [صادقی، علی اشرف (۱۴۰۲). بررسی گویش‌های ایرانی: نگاهی به گویش‌نامه‌ها و یادداشت‌هایی درباره چند گویش (ویراست دوم) (صص ۲۶۷-۳۱۰). تهران: کتاب بهار].
- صادقی، علی اشرف (۱۳۹۱). ابیات شیرازی سعدی در مثلثات. زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، ۱، ۵-۳۸.

۱. V = مصوّت، در برابر C = همخوان.

۲. صادقی (۱۳۹۱، ص ۲۹) «کُند» شیرازی قدیم را (در «واکند» در بیت «چنان تَرْدُم دَوِت کت چون خو واکند» / ...» در مثلثات سعدی) «فشرده‌شده کُند» دانسته است. به نظرم «کُند» را به گونه‌ای دیگر نیز می‌توان توجیه کرد و آن اینکه «کُند» را از «کاند» دانست (که مکرر در پیکره شیرازی به کار رفته) با تبدیل ān به on. «کُند» از «کاند» چنان است که «دُند» از «داند».

- صادقی، علی اشرف (۱۳۹۸). تک، تک-تگ، گُشتا، پرنون یا بزنون؟، شَمَل. فرهنگ نویسی، ۱۵، ۷۳-۵۵.
- صادقی، علی اشرف، بهروز، سیده زیبا و چتینکایا، گوک خان (۱۳۹۸). تاج الرؤوس و عزالنفوس: نخستین اثر در آموزش زبان فارسی با زیرنویس ترکی عثمانی (متعلق به سده هفتم هجری یا پیش از آن). مطالعات آسیای صغیر، ۸، ۱۳۹-۱۶۸.
- غلامرضایی، محمّد (۱۳۸۵). نقدی بر شیوه تصحیح قصص الانبیای نیشابوری. در سید علی آل داود (به کوشش)، ارج نامه حبیب یغمایی (صص ۳۷۸-۳۹۸). تهران: میراث مکتوب.
- فیروزبخش، پژمان (۱۳۹۰). دو غزل از شمس پُس ناصر به گویش قدیم شیراز. ایران شناسی (دوره جدید)، ۲۳(۲)، ۲۶۲-۲۴۸.
- محمّدی، میثم (۱۴۰۰). فهلویات سفینه تبریز: قرائت و ترجمه اشعار، تحلیل لغوی و دستوری، به همراه مقدمه تحلیلی درباره خصوصیات آوایی و صرفی و نحوی فهلویات (رساله منتشر نشده). دانشگاه تهران.
- منتخب رونق المجالس و بستان العارفین و تحفة المُریدین (۱۳۵۴). تصحیح احمد علی رجائی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- Asmussen, J. P. (1966). Judaeo-Persica III: Vier ungewöhnliche Wörter aus der Genesisversion des jüdisch-persischen Vatikan-Pentateuchs. *Acta Orientalia*, 29(3-4), 247-251.
- Bacher, W. (1901). Jüdisch-Persisches aus Buchârâ. *Zeitschrift Der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft*, 55(2), 241-257.
- Bacher, W. (1902). Jüdisch-Persisches aus Buchârâ. *Zeitschrift Der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft*, 56(4), 729-759.
- Borjian, H. (2011 [2012]). Shemiran Dialect Group. In *Issues of Linguistics: International Volume of Articles Devoted to Professor Jemshid Giunasvili*. Tbilisi: Ivane Javakhishvili Tbilisi University Press.
- Borjian, H. (2025). Judeo-Persian Texts from Bukhara. In A. Korangy, A. & B. Mahmoodi-Bakhtiari (Eds), *The Handbook of Persian Dialects and Dialectology* (pp. 1-72). Singapore: Springer.
- Elfenbein, J. (1961). A Balūčī text, with Translation and Notes. *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 24(1), 86-103.
- Gindin, T. E. (2007). Ezekiel in Early Judaeo-Persian (Vol. 1: Text, Vol. 2: Translation, Vol. 3: Commentary). Vienna, Austria: Austrian Academy of Sciences Press.
- Lazard, G. (1963). *La langue des plus anciens monuments de la prose persane*. Paris: Klincksieck.

Lorimer, D. L. R. (1916). XII. Notes on the Gabri Dialect of Modern Persian: A Commentary on the Account of the Dialect given in the *Grundriss der Iranischen Philologie*. *Journal of the Royal Asiatic Society*, 48(03), 423-489.

Salemann, C. (1897). *Judaeo-Persica nach St.-Petersburger Handschriften: Chudâidât, ein jüdisch-buchârisches Gedicht*. St.-Petersbourg: Académie Impériale des Sciences de St.-Petersbourg.

Shaked, S. (2003). Early Judaeo-Persian Texts, with Notes on a Commentary to Genesis. In L. Paul (Ed.), *Persian Origins – Early Judaeo-Persian and the Emergence of New Persian: Collected Papers of the Symposium, Göttingen 1999* (pp. 195-219). Wiesbaden: Harrassowitz Verlag.

کا. ۴۵

یکی از فهلویات میرمغیث الدین محوی همدانی (درگذشته ۱۰۱۶ هجری) که میرافضلی (۱۳۷۹، ص ۲۰، و بعداً در ۱۳۸۰، ص ۳۸) از نسخه‌ای از مجموعه رباعیات او نقل کرده چنین است:

مغیث! ارکاده این صحرا نکتی
وه این صحرای پُریهنا نکتی
چند کردی که روزد به شو آیه
بشه پایی بکن از پا نکتی

صادقی در تحلیل و شرح این دوبیتی (۱۳۷۹، ص ۲۳) نوشته است:

کلمه «ارکا» معلوم نیست چه کلمه‌ای است. «نکتی» ظاهراً باید «نکتی» خوانده شود، از فعل «کتن» به معنی افتادن، از پهلوی kaftan. ... «ده» در مصراع اول بعد از «ارکا» یعنی «در» و «وه» در مصراع دوم ظاهراً مبدل «به» است. «پایی بکن» نیز در مصراع چهارم مبهم است. معنی دوبیتی چنین است: مغیث ... در این صحرا نیفتی. به (یا: در) این صحرای پریهنا نیفتی. چند کردی که روزت به شب بیاید؟ برو کوششی؟ بکن تا از پا نیفتی.

به نظر من، «ارکا» را باید متشکل از «ار» در معنای «اگر» و «کا» دانست، و این کلمه اخیر املائی ناقص «گا» است، یعنی همان فعلی که موضوع بخش ۳۹ شماره پیشین «نوشتگان» بود (نیز سنج. gā برای زمان مضارع در چند گویش امروز از جمله در گویش ابیان و ابوزیدآباد و قهرود).

«چند کردی» را نیز ممکن است بتوان به گونه «چن» [= چند] + «د» برابر شناسهٔ دوم شخص مفرد (سنج. «د» در «روزد» و wd- در پارسی^۱) بگیریم و «کردی» را املائی ناقص «گردی» بخوانیم:

مغیث! اگر خواهی / بایست در این صحرا نیفتی
به این صحرای پهناور نیفتی
چند گردی که روزت به شب آید [= روزت شب شود]
برو پایی بکن (؟)^۲ از پا نیفتی

با این قرائت، یک شاهد قدیم دیگر از فعل مورد نظر از ناحیه‌ای دیگر به دست می‌آید.

دست‌نوشتی از خلاصهٔ الاشعار تقی‌الدین کاشانی محفوظ در کتابخانهٔ خدابخش هندوستان حاوی چندین دوبیتی از باباطاهر است. یکی از این دوبیتی‌ها چنین است:

اگر کامت کوا وش وندگی که
سرافرازی مکه افگندگی که
پنجه روزی تنت به مرگ نانه
وش تا جاودان زیونده [= زیونده‌ای] که

اکبری مفاخر، که این دوبیتی‌ها را بررسی کرده (۱۴۰۴)، مصراع نخست را به «اگر کامت فراهم است، شادمانه زندگی کن» (ص ۱۶) معنا کرده و «کوا» را «کو» (جمع، توده، خرمن غلات، کوه) + «ا» (است) خوانده و به نظر او ساخت «کوا» در دوبیتی مورد نظر تحت تأثیر کردی به کار رفته است (ص ۱۷). این قرائت را نگارنده بسیار بعید و شواهدی که اکبر مفاخر در ادامه (عمدتاً از کردی) نقل کرده مؤید این قرائت و معنا نمی‌داند. به نظرم، «کوا» املائی ناقص «گوا» ست و برابر با guwā یا gūā معادل «می» (بایست) (قیاس شود با guwā در گویش واران، که در شمارهٔ پیشین نقل شد). اگر قرائت پیشنهادی ما درست باشد، این شواهدی دیگر از فعل مورد نظر در بازمانده‌های همدان خواهد بود.

ضمناً، «وش» را در مصراع نخست و پایانی اکبری مفاخر برابر wāš گورانی معادل «خوش» (xwāš) می‌داند. ساده شدن -xw- به -w- در گورانی هست، ولی در سروده‌های باباطاهر چنین تخفیفی را

۱. نک. Sims-Williams, 1981, p. 172.

۲. شاید «بکن» در اینجا صورتی از «بفکن» باشد: پای بکن = پایی بفکن «پایی بینه، اقدام کن».

نگارنده نمی‌یابد. $xwēš$ با $xw-$ در این سروده‌ها «خوش» است (سروده چهارم؛ منقول در مینوی، ۱۳۳۵) و $xward$ «خورد» (سروده چهارم). بنابراین، احتمالاً باید به دنبال قرائتی دیگر بود. ممکن است «وش» برابر «بشو» در معنای «برو» باشد.

منابع

اکبری مفاخر، آرش (۱۴۰۴). دوبیتی‌های باباطاهر در خلاصه الاشعار تقی‌الدین کاشانی. گویش‌شناسی و فرهنگ عامه، ۳(۱) [= ۵ پیاپی]، ۱-۴۲.

صادقی، علی‌اشرف (۱۳۷۹). توضیح درباره فهلویهای اصفهانی و همدانی. مجله زبانشناسی، ۱۱۸۵(۱) [= ۲۹ پیاپی]، ۲۱-۲۳.

میرافضلی، سید علی (۱۳۷۹). چند فهلوی ناشناخته. مجله زبانشناسی، ۱۱۸۵(۱) [= ۲۹ پیاپی]، ۱۸-۲۰.

میرافضلی، سید علی (۱۳۸۰). رونق دوبیتی در دوره صفوی. معارف، ۵۳، ۲۹-۴۴.

مینوی، مجتبی (۱۳۳۵). از خزاین ترکیه (۱). مجله دانشکده ادبیات [دانشگاه تهران]، ۴(۲)، ۴۲-۷۵.

Sims-Williams, N. (1981). Notes on Manichean Middle Persian Morphology. *Studia Iranica*, 10(2), 165-176.